



REVIEW ARTICLE

Analysis of Educational Inequality Policies in Six Development Programs in Iran*

*- This article is extracted from the doctoral dissertation in the field of educational management in Shahid Chamran University of Ahvaz.

Zahra Khosravipour¹, Yadollah Mehralizadeh^{2*}, Hojjatollah Darafsh³, Gholamhosein Rahimidoost⁴, Morteza Karami⁵

1. PhD Student of Educational Management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: zahra.khosravipour89@gmail.com

2. Professor of Educational planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

* Corresponding Author's Email: mehralizadeh@scu.ac.ir

3. Assistant Professor of Educational Management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.


Email: h.darafsh@scu.ac.ir

4. Assistant Professor of Educational Technology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: rahimidoost@scu.ac.ir

5. Associate Professor, Department of Curriculum and Educational Studies, Mashhad Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Email: m.karami@um.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95729>

Received: 19 May 2023

Accepted: 8 July 2023

ABSTRACT

Educational inequality is one of the most pressing issues of our time, leading to differences in opportunities, resources, and outcomes for certain groups of students compared to others. The main question of the current research is that what policies have been developed in Iran during the six development programs after the revolution to develop equal educational opportunities and reduce educational inequality? By using the systematic review method, educational policies were examined from the perspective of 6 principles related to the legislative framework (prioritization, strategy selection, implementation solutions, specific implementation, having indicators and evaluation capability, appropriate implementation guarantee) and the results showed that in developing development plans The legislator paid limited attention to the priorities and despite the fact that in most of the articles and notes there is an approach to achieve the set goals, but the solutions are very general or no solutions are provided, the main executor of the government's decrees and the executive organizations had a lesser role, also in none of the programs. A specific executive guarantee for accountability was not specified from the point of view of the law.

Keywords: Policy Making, Educational Inequality, Development Programs, Systematic Review, Iran.

Citation: Khosravipour,Zahra; Mehralizadeh, Yadollah; Darafsh,Hojjatollah; Rahimidoost,Gholamhosein; Karami, Morteza (2023). Analysis of Educational Inequality Policies in Six Development Programs in Iran. Iranian Journal of Public Policy, 9 (3), 165-181.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95729>.

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله مروری

واکاوی سیاست‌های نابرابری آموزشی در شش برنامه توسعه در ایران

زهرا خسروی پور^۱، بداله مهرعلی‌زاده^{۲*}، حجت‌اله درفش^۳، غلامحسین رحیمی دوست^۴، مرتضی کرمی^۵

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

رایانامه: zabrahosravipoor89@gmail.com

۲. استاد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: mehralizadeh@scu.ac.ir

۳. استادیار مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

رایانامه: h.darafsh@scu.ac.ir

۴. استادیار تکنولوژی آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

رایانامه: rahimidoost@scu.ac.ir

۵. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

رایانامه: m.karami@um.ac.ir

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95729>

تاریخ دریافت: ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۷ تیر ۱۴۰۲

چکیده

نابرابری آموزشی یکی از مهمترین مسائل زمان ما است که منجر به تفاوت در فرصت‌ها، منابع و نتایج برای گروه‌های خاصی از دانش‌آموزان در مقایسه با دیگران می‌شود. پرسش اصلی پژوهش حاضر اینست که در ایران طی شش برنامه توسعه پس از انقلاب چه سیاست‌هایی برای توسعه فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی تدوین شده است؟ با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند به بررسی سیاست‌های آموزشی از منظر ۶ اصل مربوط به چارچوب قانونگذاری (اولویت‌گذاری، انتخاب راهبرد، راهکارهای اجرایی، مجری مشخص، داشتن شاخص و قابلیت ارزیابی، ضمانت اجرایی مناسب) پرداخته شد. نتایج نشان داد در تدوین برنامه‌های توسعه، قانونگذار توجه محدودی به اولویت‌ها داشته و علی‌رغم اینکه در اکثر مواد و تبصره‌ها رویکردی برای رسیدن به اهداف تعیین شده اما راهکارهای آن بسیار کلی بوده و یا راهکاری ارائه نشده، مجری اصلی احکام دولت بوده و سازمانهای اجرائی نقش کمتری داشتند. همچنین در هیچ‌یک از برنامه‌ها ضمانت اجرایی مشخصی برای پاسخگویی از منظر قانون مشخص نشده بود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، نابرابری آموزشی، برنامه‌های توسعه، مرور نظام‌مند، ایران.

استناد: خسروی پور، زهرا؛ مهرعلی‌زاده، بداله؛ درفش، حجت‌اله؛ رحیمی دوست، غلامحسین؛ کرمی، مرتضی (۱۴۰۲). واکاوی سیاست‌های نابرابری

آموزشی در شش برنامه توسعه در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳)، ۱۸۱-۱۶۵.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95729>.



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

توسعه از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است که نظام آموزش و پرورش نقش مهمی در آن بر عهده دارد. آموزش موجود در یک جامعه نتیجه فرآیندهای سیاسی است که الگوی امکانات آموزشی و محتوای آنچه باید آموخته شود را تعیین می‌کند. سیستم آموزشی به عنوان نهاد اجتماعی منعکس کننده ساختار قدرت جامعه، به عنوان کانال گردش عمودی عمل می‌کند و بر رفاه عمومی، بهره‌وری، سرمایه اجتماعی، شهروندی مسئولانه و رفتار پایدار تأثیر می‌گذارد. به لحاظ اهمیت آموزش و توسعه انسانی، دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر و باکیفیت در سیاست‌گذاری کشورها اولویت ویژه یافته است چراکه توزیع عادلانه آن اجازه ایجاد جوامع نفوذپذیر و عدالت‌محور را می‌دهد. نابرابری آموزشی یک مسئله پیچیده است که عمیقاً ریشه در تاریخ، جامعه و فرهنگ دارد. ریشه‌کن کردن آن به دلایل مختلف، از جمله نابرابری منطقه‌ای، نابرابری بر اساس جنسیت، طبقه‌بندی اجتماعی، درآمد والدین، شغل و ... دشوار است. برابری و نابرابری آموزشی مفاهیمی هستند که به برقراری عدالت در اهداف نهایی آموزش و پرورش اشاره می‌کنند. با توجه به اینکه هدف غایی نظام آموزش و پرورش عمومی، ارائه آموزش باکیفیت به وسعت جامعه است که دارا و ندار، سالم و معلول، مرد و زن، قومیت‌ها و اقشار گوناگون جامعه بتوانند آموزش‌های مدرسه‌ای را باکیفیتی مناسب و به‌طور یکسان دریافت کنند (Karimian, 2020: 12)، لذا نابرابری آموزشی، بیانگر تفاوت قابلیت‌ها و تلاش‌های افراد در دسترسی به منابع اقتصادی و تفاوت در شرایط اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و سیاسی آنها می‌باشد (Samadi et al, 2019: 41). کودکان به دلیل وابستگی به طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلف و میزان تحصیلات خانوادگی که برای آنها فرصت ایجاد می‌کند از شرایط مساوی برخوردار نیستند، زیرا موقعیت یکسانی ندارند در نتیجه از زمانی که آنها از امکانات آموزشی (نابرابر) برخوردار می‌شوند مفهوم نابرابری آموزشی بیشتر آشکار شده و در ذهن آنها شکل می‌گیرد (Khosravi Poor & Mehr Alizadeh, 2022: 51). امروزه، بیشتر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به تدوین برنامه‌های توسعه مبادرت می‌ورزند. کشور ایران با داشتن تجربه برنامه‌ریزی بسیار در زمره پرسابقه‌ترین کشورها برای شکستن دور باطل فقر و دستیابی به رشد و توسعه همه‌جانبه، رو به برنامه‌ریزی آورده است که برنامه‌های توسعه یکی از انواع سیاست‌گذاری‌های کلان دولت برای دستیابی به اهدافی مشخص در ایران بعد از انقلاب بوده که تاکنون شش برنامه توسعه (برنامه اول ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ / برنامه دوم ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ / برنامه سوم ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ / برنامه چهارم ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ / برنامه پنجم ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ / برنامه ششم ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) در نظام سیاست‌گذاری ایران، تصویب و اجرا شده است. در شش برنامه توسعه، قانون اساسی (اصل ۳۰) و سند تحول بنیادین مصوب (۱۳۹۰)، بر آموزش نظام‌مند همگانی، تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های آموزشی باکیفیت مناسب، با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق گوناگون کشور و مشارکت مردم در آموزش و پرورش تأکید شده است. بنابراین با توجه به اهمیت امر آموزش در توسعه و پایداری یک کشور و تأثیرگذاری آن در همه زمینه‌ها به‌عنوان عامل رشد و توسعه یک جامعه، این سوال مطرح است که دولت‌ها جهت مدیریت نابرابری آموزشی چه سیاست‌ها و سازوکارهایی باید ایجاد کنند؟ در ایران طی شش برنامه توسعه پس از انقلاب چه سیاست‌ها و اهدافی برای توسعه فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی تدوین شده است؟ برنامه‌های توسعه، به‌عنوان اسناد میانی، پس از اسناد کلان (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) از اهمیت بسیاری در جهت‌دهی به فعالیت‌های کشور در عرصه‌های مختلف در یک بازه زمانی مشخص برخوردار هستند. علی‌رغم زمینه‌سازی برای تحقق عدالت آموزشی در ابعاد کمی و کیفی و پرداختن به این امر مهم در تمامی برنامه‌ها بعد از گذشت شش برنامه توسعه، همچنان نابرابری آموزشی وجود دارد و روزبه‌روز در حال گسترش است. نگاه به سیاست‌های آموزشی بعد از انقلاب نشان‌دهنده اینست که با پایان جنگ تحمیلی و آغاز برنامه توسعه، کاهش هزینه‌های اجتماعی دولت و حذف یارانه‌ها (Irvani et al, 2020: 20) جز در دهه نخست، در سه دهه بعدی (برنامه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم) جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌ها به سمت تقلیل مسئولیت‌های دولت به‌عنوان متولی اصلی آموزش و افزایش سیاست‌های خصوصی‌سازی در

برنامه‌های توسعه بوده است (Abouzari & Davoudi, 2021: 183). سیاست‌های خصوصی‌سازی در آموزش عمومی و به موازات آن کاهش معنادار سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور اصلی‌ترین علل گسترش نابرابری‌های آموزشی‌اند که این سیاست‌ها خود ناشی از دو عامل ۱. بی‌توجهی به آموزش و پرورش در عالی‌ترین سطوح سیاستگذاری کشور، ۲. وجود تعارض منافع درونی و بیرونی در بخش‌های سیاستگذار آموزش و پرورش می‌باشد (Karimian, 2020: 9-10).

چارچوب نظری

نابرابری آموزشی از اوایل دهه ۱۹۵۰ مورد مطالعه قرار گرفته اما قدمت آن به دیرپایی نهاد تعلیم و تربیت است (Rafati, Shahrakipour & Nazim, 2019: 61). موضوع نابرابری از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، عنوان اغلب مباحث مربوط به تعلیم و تربیت را در کشورهای صنعتی به خود اختصاص داده بود (Samari, 2014: 4). از دیدگاه‌های ارائه شده در این راستا (نابرابری) می‌توان به نظریه‌های کارکردگرایی^۱، تضاد^۲ و برابری آموزشی (راولز)^۳ اشاره کرد. کارکردگرایان، با تأیید به هدف شایسته سالارانه در آموزش معتقدند نابرابری‌های موجود در جامعه به علت تفاوت در استعداد، نگرش‌ها و مسئولیت‌پذیری فردی است تا پیامدهای عملکرد سیستم (Schultz, 1961: 1-17). تضادگرایان نابرابری آموزشی را نتیجه نواقص اساسی در سیستم اجتماعی می‌دانند و معتقدند آموزش و پرورش بعنوان یک ابزار ایدئولوژیک دولتی، فقط در خدمت منافع طبقه سرمایه‌داری است (Cheng, 2009: 85) و فرهنگ «طبقات حاکم» را بازتولید می‌کند (Hansen & Mastekaasa, 2006, Giorgio & Pietra, 2020). و در نظریه برابری آموزشی راولز^۴، (۱۹۷۱)، سه اصل برابری در زمینه فرصت‌ها در سیستم‌های آموزشی وجود دارد: ۱. فراهم کردن تسهیلات آموزشی برای افراد واجد شرایط؛ ۲. فراهم کردن حداقل آموزش برای هر فرد؛ ۳. ایجاد امکانات ویژه برای گروه‌های محروم (Rawls, 1971: 33). بر این اساس راولز و فارل، (۱۹۹۹، ۱۹۹۴) سه شکل از برابری سیستم آموزشی را مطرح کردند: برابری دسترسی، برابری درون‌داد و برابری برون‌داد.

پیشینه پژوهش

چن، یوان و ژانگ (۲۰۲۳) نشان دادند که (۱) نابرابری درآمدی بالا والدین را نسبت به کیفیت آموزش در سطوح بالاتر تقویت و آنها را وادار به سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش می‌کند، (۲) نابرابری درآمدی بالا، ارزش آموزش عالی را افزایش و منجر به تقاضای قوی‌تر برای فرصت‌های آموزشی بهتر و سپس رقابت شدیدتر در آموزش می‌شود و والدین را مجبور می‌کند تا بیشتر در آموزش سرمایه‌گذاری کنند (Chen, Yuan & Zhang, 2023). بلاندن، دوپکه و استولر (۲۰۲۲) معتقدند واکنش‌های درون‌زا در سرمایه‌گذاری‌های آموزشی والدین برای فرزندانشان، منجر به ارتباط بین نابرابری اقتصادی و نابرابری آموزشی می‌شود (Blanden, Doepke & Stuhler, 2022). ریندرز، دکر و فالیس (۲۰۲۱) دریافتند که (۱) عوامل اقتصادی به تنهایی برای مقابله با نابرابری‌ها کافی نیست، زیرا این عوامل توسط عوامل انسانی و سایر عوامل غیرمالی شکل می‌گیرند، (۲) ساختارهای اجتماعی-فرهنگی در توضیح نتایج نابرابر نقش اساسی دارند، (۳) نابرابری‌ها در طول زندگی فرد ایجاد می‌شود و باید در طول تحصیلات عالی و همچنین قبل و بعد از آن در نظر گرفته شود (Reinders, Dekker & Falisse, 2021). متئوس-گونزالس و واکلینگ (۲۰۲۰) معتقدند دانشجویانی که از نظر اقتصادی-اجتماعی دارای مزیت هستند، شانس بیشتری برای دستیابی به مدرک خوب و حضور در یک موسسه نخبه در سطح کارشناسی را دارند که این خود به‌طور قدرتمندی دسترسی به تحصیلات تکمیلی نخبگان را پیش‌بینی می‌کند (Mateos-González & Wakeling, 2020). در تحقیق پیری‌زمانه، عباس‌پور و رحیمیان (۱۴۰۲)،

1. Functionalism Theory
2. Contradiction Theory
3. Educational Inequality (Rawls)
4. Rawls

نابرابری آموزشی در سطح مدارس ابتدایی شهر تهران شامل ۷ مضمون فراگیر، ۲۸ مضمون سازماندهنده می‌باشد که عبارتند از: مؤلفه درون‌داد شامل ۴ شاخص، مؤلفه فرایند مدرسه شامل ۶ شاخص، مؤلفه زمینه خانوادگی شامل ۶ شاخص، مؤلفه برون‌داد شامل ۸ شاخص، زمینه فردی نابرابری شامل ۴ شاخص، تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش شامل ۴ شاخص است (Piri zamaneh, Abasspuor & Rahimian, 2023). در تحقیقی دیگر مشخص شده که شهرستان‌های استان مازندران از نظر توسعه شاخص‌های آموزشی در یک سطح نبوده و این استان برای نیل به عدالت آموزشی پایدار نیازمند بازبینی در بسیاری از برنامه‌ها می‌باشد (Ghafari esmaili, Hassani & ghalavandi, 2021). از مطالعه ادبیات مربوط به نابرابری آموزشی می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری سه مشخصه دارد: ۱) نابرابری، طبیعی و سودمند است زیرا باعث ایجاد رقابت می‌شود، ۲) نابرابری، نتیجه تلاش یا شایستگی فرد است، و ۳) نابرابری، ناشی از توزیع نابرابر فرصت‌های آموزشی است که این خود حمایت از سیاست‌های اجتماعی و آموزشی بازتوزیع را به دنبال دارد. بنابراین، مدیریت نابرابری آموزشی به‌عنوان مهم‌ترین اولویت در شش برنامه توسعه یکی از چالش‌های اصلی سیستم آموزش و پرورش به شمار می‌رود که برای کاهش این نوع نابرابری‌ها در وهله اول باید منابع و امکانات در نواحی مختلف، متناسب توزیع شوند و سیستم‌های آموزشی توان ایجاد تغییرات اساسی برای کاستن از نابرابری‌های منطقه‌ای را در خود ایجاد کنند. بنابراین، توجه به این امر به‌عنوان مهم‌ترین اولویت در شش برنامه توسعه ضروری است چراکه شرط لازم برای رسیدن به توسعه در کشور است. بنای این پژوهش مبتنی بر بررسی شش برنامه (اول تا ششم) است که اجرا شده‌اند و اثرات آنها قابل مشاهده و سنجش است. لذا می‌توان آنها را مورد بررسی پسینی قرار داد که تا چه حد دولت توانسته دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی را در جامعه محقق کند و یا افزایش/کاهش دهند. از آنجایی که در گفتمان جمهوری اسلامی ایران عموماً بر اعتدال تأکید می‌شود، بنابراین سنجش و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش و پرورش در زمینه توجه به عدالت آموزشی در نظام قانونگذاری ایران گویای آن است که دولت جهت ایجاد دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در ۶ برنامه توسعه چه اهداف و سیاست‌هایی را تدوین نموده است؟ و تعهد آن در عمل کردن بر اساس شاخص‌های برنامه‌ریزی مطلوب در راستای کاهش نابرابری آموزشی چگونه بوده است؟

روش پژوهش

در این مطالعه از روش مرور نظام‌مند به‌عنوان روش پژوهش استفاده شده است. مرور نظام‌مند اساساً برای پاسخگویی به یک سؤال پژوهشی مبتنی بر ارزیابی شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران مربوط به این سؤال، صورت می‌گیرد و نوعی مطالعه و تحلیل ثانویه برنامه‌ها است (Glass, 1981, Count, 1996, Parhamnia, 2021: 151). به منظور بررسی فرایند پژوهش در گام نخست، نیاز به چارچوبی از اصول قانونگذاری مطلوب و موردانتظار در این حوزه داریم. چارچوب تحلیلی فراترکیب سیاست‌های نابرابری آموزشی در شش برنامه توسعه در ایران بر اساس شش اصل انتخاب شده (شکل ۱) که در پرتوی چارچوب مفهومی موردنظر می‌توان به درک بهتری از کیفیت قانونگذاری در حوزه آموزش و پرورش دست یافت. این چارچوب از مطالعه مرکز مطالعات مجلس شورای اسلامی در بررسی احکام مرتبط با آسیب‌های اجتماعی در قوانین برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه کشور اقتباس شده است (Deputy for social studies, 2021: 6-10) که در شکل زیر مهم‌ترین ویژگی‌های موردنیاز برای تدوین احکام مرتبط با آموزش و دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی متناسب با اصول عام قوانین برنامه و نیز مختصات لازم جهت برنامه‌ریزی و مداخله در متغیرهای آموزشی ارائه شده است.



شکل ۱. اصول موردنیاز برای تدوین قوانین برنامه توسعه در حوزه آموزش و دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی.

نخستین ویژگی مورد توجه برنامه‌نویسان در تدوین احکام برنامه‌های توسعه در حوزه آموزش و دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی "اولویت‌بندی" است. زیرا تنوع و گستردگی مسائل آموزشی، محدودیت منابع، افزایش آثار سوء نابرابری بر برخی افراد یا گروهها نسبت به سایرین و هرگونه اقدام به‌منظور کنترل، پیشگیری یا کاهش آنها در جهت بهبود وضعیت جامعه موکول به اولویت‌بندی آنها است. دومین ویژگی، "انتخاب راهبرد" است که مشخص می‌سازد کجا هستیم، می‌خواهیم به کجا برویم، از چه راهی و چگونه؛ و از این طریق، الزامات موردنیاز برای همسو کردن توجهات و تلاش‌های مختلف و تخصیص مناسب منابع موجود در راستای تحقق اهداف موردنظر را فراهم می‌آورد. سومین ویژگی، مشخص کردن راهکارهای عملیاتی و اقدامات اجرایی است که با توجه به راهبردهای انتخاب شده، بایستی راهکارهای عملیاتی و اقدامات اجرایی مرتبط با هر یک ارائه شود. چهارمین ویژگی، مشخص بودن فاعل و مجری احکام تعیین شده در برنامه است. زیرا قانونگذار می‌تواند بر اجرای قانون، نظارت کرده و مطابق با وظایف مندرج در قانون، از مجری قانون مطالبه کند. در غیر اینصورت دستگاه‌های مختلف، دیگری را موظف به اجرای آن حکم قانونی می‌دانند و از زیر بار تکالیف آن شانه خالی می‌کنند. پنجمین ویژگی "داشتن شاخص و قابلیت ارزیابی" است. با تعیین شاخصی مناسب، می‌توان مسیر رسیدن به اهداف را رصد کرد. در همین راستا، مختص‌بودگی، سنجش‌پذیری، قابل حصول بودن، مرتبط بودن و محدودیت زمانی داشتن، ویژگی‌هایی‌اند که برای توصیف این شاخص‌ها به کار می‌روند. ششمین ویژگی، داشتن ضمانت اجرای مناسب است. زیرا تکلیف قانونی بدون تعیین ضمانت اجرا یا تعیین نامناسب و ناکافی ضمانت اجرا، مسیری برای فرار متخلفان از اجرای قانون است (Deputy for social studies, 2021: 6-10). لذا، در این تحقیق بررسی می‌شود که سیاست‌ها، اهداف، برنامه‌ها و مواد قانونی برنامه اول تا ششم توسعه در زمینه فرصت‌های دسترسی برابر آموزشی در آموزش و پرورش تا چه اندازه واجد ویژگی‌های فوق می‌باشند.

روش تجزیه و تحلیل اسناد فراترکیب

نتایج حاصل از جستجوها در جدول‌هایی در قالب فایل‌های ورد ثبت شدند. در بازه زمانی مذکور و طی جستجوی نظام‌مند و دستی و با بررسی عنوان، چکیده و کلمات کلیدی، اسناد و مقالات مرتبط که با معیارهای شمول پژوهش حاضر همخوانی داشتند، انتخاب شدند و متن کامل این مقالات و اسناد توسعه جهت انجام بررسی‌های دقیق‌تر، وارد مرحله ارزیابی کیفیت گردید. جدول زیر، جزئیات فرایند جستجوی نظام‌مند پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

جدول ۱. جزئیات فرایند جستجوی منابع به روش نظام‌مند

مرکز مطالعات مجلس شورای اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری اسلامی، اسکوپوس، الزیور، ساینس دایرکت، گوگل اسکالر، مرکز اطلاعات منابع آموزش و پرورش (اریک)، پژوهشگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران	پایگاه‌های اطلاعاتی و استنادی مورد جستجو
نابرابری آموزشی، سیاست‌های اجتماعی، برنامه توسعه، آمایش سرزمین، آمایش آموزش و پرورش، فقر و نابرابری آموزشی، شاخص‌های کیفیت آموزشی	کلید واژه‌های جستجو
نابرابری، آموزش و پرورش، کیفیت، مدرسه، دانش‌آموز، معلم	کلمات هدایت‌کننده
عنوان اسناد، گزارش‌ها، مقاله، چکیده، کلمات کلیدی	جستجو در
علوم انسانی، علوم اجتماعی	محدودیت در حوزه مطالعاتی
از ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ و از ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱	محدودیت در بازه زمانی
همه	نوع دسترسی

در راستای روایی و اعتبار اطلاعات و مطالعات و جستجو در کلیه مراحل فرایند فراترکیب، از روش جستجوی دست‌چین منابع نیز بهره برده شده است؛ زیرا برخی پژوهش‌های مرتبط، به دلایل مختلف از جمله عدم استفاده از واژه‌های کلیدی استاندارد، در جستجوی آنلاین پایگاه‌ها یافت نمی‌شوند. بعلاوه، با مطالعه هر مقاله (در صورت نیاز) منابع جدید و مفید موجود در مقاله که به روشن شدن موضوع کمک می‌کردند، مورد بررسی قرار گرفت و در صورت سازگاری با معیارهای شمول حاضر، به مقالات مورد بازنگری اضافه شدند. به‌طور کلی، با این شیوه‌های جستجو، حذف یا افزودن مقاله جدید به بازنگری در هر گام از فراترکیب ممکن بود. فرایند جستجو تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت.

ارزیابی کیفیت و انتخاب منابع فراترکیب سیاست‌های نابرابری آموزشی

در این پژوهش، با مشارکت اعضای تیم فراترکیب، ارزیابی اولیه مقالات صورت گرفت. در این مرحله و در طی بازبینی‌های مختلف در هر بازبینی، مقاله‌هایی که موضوع یا محتوای آنها از تناسب و ارتباط کافی با موضوع پژوهش حاضر (نابرابری آموزشی، سیاست‌های اجتماعی، افزایش فرصت‌های آموزشی) برخوردار بودند انتخاب شدند. پس از آن در مرحله ارزیابی تطبیقی، با مشارکت همه اعضای تیم فراترکیب، ارزیابی نهایی مقالات انجام شد تا در نهایت گزارش‌ها، مقالات و منابع لازم برای بررسی و تحلیل انتخاب شدند. در این مرحله، مقالات بر اساس میزان ارتباط با موضوع مورد پژوهش (سیاست‌های مرتبط با نابرابری آموزشی) به سه فهرست (مرتبط‌ترین، تا حدودی مرتبط، نامرتب) تقسیم شدند.

تجزیه و تحلیل مطالعات و استخراج اطلاعات سیاست‌های نابرابری آموزشی

در مطالعه حاضر، منابع برگزیده شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با هدف احصای مضامین، مورد بررسی و داده‌های آنها با تکنیک دسته‌بندی^۱ یافته‌ها، تکنیک کمی فراچکیده‌نویسی^۲ سندلوفسکی و باروسو^۳ (۲۰۰۷)، و تکنیک طبقه‌بندی^۴ که از تکنیک‌های مهم تحلیل داده‌ها در روش فراترکیب محسوب می‌شوند، تجزیه و تحلیل شدند. در دسته‌بندی، مواد و تبصره‌های مرتبط با حوزه آموزش عمومی (ایده‌ها و موضوع‌های موردنظر فراترکیب)، شناسایی و استخراج و در دسته‌های مشخصی (یعنی در هر کدام از برنامه‌های توسعه اول تا ششم چند ماده و تبصره به موضوع فرصت‌های برابر آموزشی اشاره کرده است) قرار گرفت.

1. Classification
2. Meta-summery
3. Sandlovsky & Barroso
4. Taxonomy

در کنار تکنیک دسته‌بندی، از تکنیک فراچکیده‌نویسی برای مطالعه اولیه ۶ برنامه توسعه جهت بررسی توجه آنها به فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی (مقاله‌ها و استخراج داده‌های اولیه از هر مقاله و تهیه یک جدول توصیفی شامل عنوان مقاله، نام نویسندگان و سال چاپ، ایده یا نتیجه اصلی مقاله) استفاده گردید. همچنین پس از تکمیل جدول‌های توصیفی و دسته‌بندی، با استفاده از تکنیک طبقه‌بندی، به تحلیل شش برنامه توسعه بر اساس چارچوب قانونگذاری (شکل ۱) به منظور تحلیل و تبدیل یافته‌ها به شکل مفهومی مورد بررسی قرار گرفت.

ترکیب یافته‌ها سیاست‌های نابرابری آموزشی

در این مرحله، ترکیب یافته‌ها با یافتن مضامین، استعاره‌ها^۱ و مفاهیم اصلی هر گزارش، برنامه توسعه، مقاله، منابع آموزشی و مقایسه‌ی آن با سایر مضامین، استعاره‌ها و مفاهیم همان گزارش و دیگر گزارش‌ها انجام گرفت.

اعتباریابی یافته‌های فراترکیب سیاست‌های نابرابری آموزشی

در پژوهش حاضر، برای اعتباریابی یافته‌های فراترکیب مرتبط با سیاست‌های نابرابری آموزشی از فرایندهای بهینه‌سازی اعتبار فراترکیب سندلوفسکی و باروسو (۲۰۰۷) استفاده شد. بدین منظور در اعتباریابی توصیفی^۲، با مشورت اعضای تیم فراترکیب، تمامی گزارش‌های مرتبط و مشخصه‌های هر گزارش شناسایی شد. برای اعتباریابی توصیفی تفسیری^۳ هر گزارش حداقل توسط دو بازنگر به صورت مستقل بررسی و نقطه نظرات اعضا از گزارش‌ها به صورت تمام و کمال ارائه شد. در اعتباریابی نظری^۴، جلسه‌های هفتگی توسط تیم پژوهشی به منظور تثبیت حوزه‌های مورد توافق و مذاکره درباره حوزه‌ها و موارد (اختلاف نظر تا رسیدن به اجماع) برگزار و اعتبار روش‌های یکپارچه‌سازی و تفسیر یافته‌های پژوهشی بررسی شد و در نهایت در اعتباریابی پراگماتیک^۵ به منظور سودمندی، قابلیت انتقال دانش، کاربردی بودن و مناسب بودن نتایج و ارزیابی فراترکیب، جلسه‌های مشخصی برای بحث درباره نتایج جستجوها، شکل دهی و اصلاح راهبردهای جستجوی منابع و همچنین بحث درباره نتایج ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری درباره‌ی راهبردهای ارزیابی مطالعات، برگزار شد.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش‌های علوم اجتماعی و سیاست‌های نابرابری آموزشی به دلیل حساسیت ویژه نیازمند رعایت ملاحظات اخلاقی است. رعایت امانت در استناددهی‌ها و انتقال اطلاعات از گزارش‌های علمی، مجلات، اسناد، مقالات و کتب مختلف، از جمله ملاحظات اخلاقی موردنظر پژوهشگران این مقاله بوده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، با هدف بهبود کیفیت حکمرانی در زمینه دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و کاهش نابرابری‌های آموزشی احکام مرتبط در قوانین برنامه‌های اول تا ششم توسعه از منظر اصول موردنظر در شکل (۱) بررسی می‌شود. لذا در ادامه به منظور ارزیابی کیفیت قوانین برنامه توسعه در حوزه آموزش و پرورش، کیفیت احکام مربوط به هر برنامه از منظر و زاویه اصول قانون‌نویسی خوب مورد نقد و بررسی قرار گرفته خواهد شد.

1. Metaphors
2. Descriptive
3. Interpretive
4. Theoretical
5. Pragmatic

قانون برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

قانون برنامه اول توسعه سندی است که مسیر توسعه کشور را برای سالهای (۱۳۶۸-۱۳۷۲) ترسیم کرده و به‌عنوان نخستین برنامه بعد از انقلاب مشتمل بر ۱۰ هدف کلی، ۱۰ خطمشی و ۵۲ تبصره است. در این برنامه، در تبصره (۱۴) دولت در پی توجه ویژه به آموزش به انجام اقدامات لازم جهت تغییر بنیادی آموزش و پرورش است. که از این منظر می‌توان آن را نقطه عطفی در توجه مسئولان و برنامه‌ریزان به مقوله برابری در آموزشی قلمداد کرد. مؤلفه‌هایی که در این سند در بحث فرصت‌های برابر آموزشی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته، به شرح زیر است: ۱. تحت پوشش آموزشی قرار دادن کلیه افراد واجب‌التعلیم در بخشهای محروم ۲. ایجاد و گسترش مدارس شبانه‌روزی در مقاطع مختلف و مدارس نمونه و مراکز تربیت‌معلم. ۳. واگذاری رایگان اراضی با کاربریهای آموزشی، فرهنگی و خدماتی در قالب طرحهای مصوب شهری، جهت احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و بهداشتی درمانی، آموزشی و خدماتی. ۴. تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش از طریق: الف) افزایش کمی و کیفی تولید و پخش برنامه‌ها و افزایش پوشش جمعیتی و جغرافیایی صدا و سیما در راستای تأمین نیازهای برنامه توسعه به‌ویژه در زمینه آموزشهای مستقیم و توجه بیشتر به جمعیت در سن تحصیل و نیازهای محلی و منطقه‌ای. ب) فراهم آوردن مقدمات لازم برای طراحی تفصیلی و اجرای نظام جدید آموزش و پرورش و تدوین و اجرای نظام آموزش عالی و فنی و حرفه‌ای متناسب با آن. پ) ایجاد امکانات آموزشی لازم برای تمامی کودکان لازم‌التعلیم. ت) توسعه فضای آموزشی متناسب با رشد دانش آموز و ایجاد امکانات آموزشی و پرورشی لازم و تربیت نیروهای کافی برای تمامی مقاطع به‌ویژه کودکان لازم‌التعلیم با اولویت روستاها. ث) اولویت دادن به ریشه‌کنی بیسوادی در اقشار مولد. به‌منظور بررسی جامع‌تر و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش در زمینه افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در برنامه اول در ادامه، عناصر سازنده احکام مرتبط با مسائل آموزشی در این برنامه (تبصره‌های ۵، ۶، ۱۰ و ۱۴) متناسب با اصول قانون‌نویسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بررسی جزئیات مواد مرتبط با حوزه آموزشی در قانون برنامه اول توسعه

الف) اولویت‌بندی: برحسب جزئیات احصا شده در برنامه اول توسعه، مسئله توزیع سالانه اعتبارات استانی، پوشش تحصیلی، احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی و تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش؛ مصادیقی هستند که برنامه‌ریزان در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی مورد تأکید قرار داده‌اند. البته، تصریح و اولویت برنامه اول توسعه بعد از انقلاب در میان مصادیق فوق پدیده «تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش و مسئله پوشش تحصیلی» است که صریحاً به آن اشاره شده است.

ب) راهبرد برنامه: راهبرد قانون برنامه اول برای افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی و اولویت تعیین شده در این زمینه به صورت شفاف و روشن بیان شده است. مثلاً، راهبرد برنامه‌ریزان برای مسئله پوشش تحصیلی، دستیابی به خودکفایی نیروی انسانی بخصوص در زمینه‌های تخصصی است. دومین مسئله‌ای که برنامه‌ریزان در این برنامه مورد تأکید قرار داده‌اند، "تغییر بنیادی در نظام آموزش و پرورش" است که راهبرد اساسی جهت دستیابی به این هدف را، گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان ذکر کردند.

ج) راهکارهای اجرایی: اقدامهای عملیاتی لازم برای کاهش نابرابری فرصت‌های آموزشی در برنامه اول توسعه، برای مسئله پوشش تحصیلی "تحت پوشش آموزشی قرار دادن کلیه افراد واجب‌التعلیم در بخشهای محروم، ایجاد و گسترش مدارس شبانه‌روزی در مقاطع مختلف و مدارس نمونه و مراکز تربیت‌معلم، ایجاد و گسترش مراکز آموزش عالی در مراکز شهری بخشهای محروم یا شهرهای مجاور آنان به منظور تربیت نیروی انسانی موردنیاز هر منطقه و همچنین افزایش سهمیه بخشهای محروم در پذیرش دانشگاه‌ها"، و احداث و توسعه مدارس و مراکز فرهنگی "اعطای مجوز احداث بنا بدون رعایت تشریفات صدور پروانه ساختمانی"

در نظر گرفته شد اما در خصوص مهم‌ترین مسئله نظام آموزشی "تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش" در برنامه اول توسعه به‌رغم تعیین راهبرد، راهکارهای اجرایی مشخص نشده است.

د) دستگاه مجری: مجری تکالیف تعیین شده در حوزه کاهش نابرابری‌های آموزشی، دولت است. بدون تردید، مشخص کردن مجری و متولی برای کاهش فرصت‌های نابرابر آموزشی از وجوه برجسته و مثبت این برنامه است؛ اما عدم تصریح نهاد یا دستگاه اصلی و احاله آن (به جز در تبصره ۱۰) به دولت می‌تواند از نقاط ضعف این برنامه باشد.

ه) قابلیت ارزیابی و شاخص: با وجود اهمیتی که تعیین شاخص در قوانین توسعه دارد، اما در برنامه اول توسعه، صرفاً تخصیص اعتبار به پروژه‌های کلان بوده که پیگیری و نظارت بر آنها نظارت بر تخصیص بودجه کامل (و در برخی موارد اتمام آن پروژه) بوده است. از طرفی به‌رغم ضرورت این مقوله در برنامه‌های توسعه، در این برنامه جز در تبصره‌های ۵ و ۶ شاخصی برای ارزیابی اهداف و اقدام‌های تکلیف شده در زمینه کاهش نابرابری آموزشی تعیین نشده است.

و) ضمانت اجرایی: آخرین ویژگی برشمرده شده برای یک قانون برنامه خوب، ضمانت اجرای قانون است. قانون برنامه اول، در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

برنامه دوم توسعه سندی است که مسیر توسعه کشور را برای سالهای (۱۳۷۴-۱۳۷۸) ترسیم کرده و مشتمل بر ۱۶ هدف کلان کیفی و ۲۲ ختمشی اساسی و ۸ سیاست کلی و ۱۰۱ تبصره است. در اهداف کلان کیفی این برنامه تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، در تبصره (۶۲) دولت به ایجاد تمهیدات لازم برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی و تربیت نیروی انسانی موردنیاز پرداخته است که عمده‌ترین مواردی که در این برنامه به آن توجه شده است، عبارتند از: ۱. ارتقای کیفی نظام آموزشی کشور ۲. ایجاد نظام ارزشیابی و بازنگری و اصلاح و تکمیل برنامه‌های آموزشی ۳. بهبود شاخص‌های کمی و کیفی و افزایش درصد سهم اعتبارات ۴. بازنگری در سیستم آموزشی کشور و به‌کارگیری اعتبارات در جهت افزایش بازدهی علمی و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش ۵. تأکید بر فراهم نمودن زمینه‌های لازم و کافی برای رشد و تربیت نیروی انسانی مناطق محروم و روستایی کشور. به‌منظور بررسی جامع‌تر و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش در زمینه افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در برنامه دوم توسعه، در ادامه، اجزا و عناصر سازنده احکام و مواد مرتبط با مسائل آموزشی در این برنامه (تبصره‌های ۱۱، ۳۶، ۳۷، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵ و ۸۴) متناسب با اصول قانون‌نویسی ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بررسی جزئیات مواد مرتبط با حوزه آموزشی در قانون برنامه دوم توسعه

الف) اولویت‌بندی: در برنامه دوم توسعه، عملاً قانون‌گذار قائل به اولویت‌بندی برنامه نبوده است؛ چنانچه تبصره «۶۱» تا «۶۵» که بندهای اصلی مربوط به بخش آموزش و پرورش در برنامه هستند، به پنج موضوع کاملاً مستقل و مجزا (از امکانات ورزشی دختران تا آموزش عمومی اجباری و ...) در عرض هم اشاره کرده است. لذا قانون برنامه دوم توسعه، وضعیت مناسبی از جهت اولویت‌بندی نداشته است.

ب) راهبرد برنامه: از نگاه برنامه‌ریزان، در این برنامه برای هر یک از تبصره‌های موجود راهبردهای روشن و شفاف بیان شده است. برای نمونه، راهبرد اصلی اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری، ایجاد تمهیدات لازم برای آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی است.

ج) راهکارهای اجرایی: در این برنامه، به‌رغم تعیین راهبرد، راهکارهای اجرایی مشخص نشده یا به صورت کلی طرح شده‌اند. برای مثال، در زمینه اجباری کردن آموزش با وجود اخذ و تعیین راهبرد، اقدامی جهت محقق ساختن آن بیان نشده یا در مورد تأسیس صندوق ذخیره فرهنگیان فقط راهکارهای کلی اشاره شده است و برای سایر تبصره‌ها هیچ راهکاری ارائه نشده است.

د) دستگاه مجری: متولی اصلی انجام اقدامهای تعیین شده در زمینه دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی در این برنامه، همانند برنامه اول جز دو مورد، دولت است. در این برنامه "وزارت جهاد سازندگی مکلف به ایجاد فضاهای آموزشی" و "وزارت آموزش و پرورش و سازمان امور اداری و استخدامی" به تعیین شاخص‌های آموزشی مربوط به نیروی انسانی موردنیاز می‌پردازد.

ه) قابلیت ارزیابی و شاخص: در برنامه دوم توسعه، تخصیص اعتبار صرفاً به پروژه‌های کلان بوده که پیگیری و نظارت بر آنها نظارت بر تخصیص بودجه کامل (و در برخی موارد اتمام آن پروژه) بوده است. برای حصول اطمینان از اجرا و مؤثر بودن قوانین به شاخص‌های ارزیابی عملکرد نیاز است. همچنین در این برنامه، فقط در ۴ تبصره به تدوین شاخص‌های کمی برای احکام و تبصره‌ها اشاره شده است.

و) ضمانت اجرایی: قانون برنامه دوم، در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

قانون برنامه سوم توسعه سندی است که مسیر توسعه کشور را برای سالهای (۱۳۸۳-۱۳۷۹) ترسیم کرده است. این برنامه فرآیندی را به‌وجود آورد تا طراحی آن با توجه به عملکرد بخش و تعیین وضع موجود، در نظر گرفتن نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها و چالش‌های اساسی فراروی آن ایجاد گردد و متناسب با وضعیت فعلی راهبردها و راهکارهایی برای حل مشکلات ارائه شود. در این برنامه در ماده (۱۴۳)، دولت در پی توجه به اصلاح ساختار نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش و به‌کارگیری نیروهای انسانی در مناطق نیازمند و به‌خصوص مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته کشور است. اقداماتی که در این سند در بحث دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته عبارتند از: ۱. ایجاد انگیزه در زمینه نقل و انتقال، بازخرید ۲. پرداخت پاداش اضافه کار و سایر موارد لازم ۳. برقراری عدالت بین مناطق شهری و روستایی جهت تأمین نیروی انسانی کمی و کیفی و ایجاد فضاهای آموزشی و پرورشی و فراهم نمودن تجهیزات آموزشی و وسایل نقلیه برای ورود دانش‌آموزان از ابتدائی به راهنمائی و متوسطه ۴. تأمین هزینه ایاب و ذهاب دانش‌آموزان دختر و پسر در روستاهای کوچک فاقد مدرسه راهنمائی و متوسطه به روستاهای دارای مدرسه، در صورت به صرفه‌بودن رفت و آمد نسبت به تحصیل در مدارس شبانه‌روزی. به منظور بررسی جامع‌تر و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش در زمینه افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در برنامه سوم توسعه، در ادامه، اجزا و عناصر سازنده احکام و مواد مرتبط با مسائل آموزشی در این برنامه (مواد ۶۴، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۴۹) متناسب با اصول قانون‌نویسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بررسی جزئیات مواد مرتبط با حوزه آموزشی در قانون برنامه سوم توسعه

الف) اولویت‌بندی: قانون برنامه سوم توسعه را می‌توان متمرکز بر منابع انسانی و تجهیز مدارس تحلیل کرد. اما بین آنها اولویت‌بندی صورت نگرفته یا برخی را در طول برخی دیگر قرار داده است. در حالی که در برنامه‌ریزی، وقتی هفت اولویت در نظر گرفته شده باشد، مثل این است که اولویت‌بندی نشده باشد. از این رو می‌توان این‌طور قضاوت کرد که قانون برنامه سوم توسعه در اولویت‌بندی اهداف، موفقیت جدی نداشته است.

ب) راهبرد برنامه: راهبرد قانون برنامه سوم برای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی جز در دو ماده ۱۴۶ و ۱۴۸ در دیگر ماده‌ها به صورت شفاف و روشن بیان شده است. برای نمونه، ایجاد زمینه‌های لازم برای به‌کارگیری نیروهای انسانی در مناطق نیازمند و

به خصوص مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته کشور، تأمین نیروی انسانی کمی و کیفی و ایجاد فضاهای آموزشی و پرورشی و فراهم نمودن تجهیزات آموزشی و وسایل نقلیه، توجه به هزینه تغذیه شبانه روزی دانش آموزان در مدارس شبانه روزی و سرویس ایاب و ذهاب هر هفته یک بار آنها به روستاها و مدارس و سایر هزینه‌های لازم راهبرد کلیدی و دال مرکزی برنامه سوم است و سایر موضوعهای آموزشی در این برنامه حول این نهاد نظم و انسجام یافته‌اند.

ج) راهکارهای اجرایی: در خصوص فعالیت‌های لازم برای تحقق اهداف ترسیم شده در زمینه ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، در برنامه سوم توسعه جز در ماده ۶۴ در دیگر ماده‌ها هیچ راهکاری ارائه نشده است.

د) دستگاه مجری: در این برنامه در ۵ ماده (۱۴۸، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۳۵، ۶۴) به دستگاه مجری اشاره‌ای نشده ولی نسبت به برنامه قبل در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، دستگاه‌های متولی کمتری اعم از اصلی و همکار تصریح شده است.

ه) قابلیت ارزیابی و شاخص: در برنامه سوم مانند دو برنامه قبل، صرفاً تخصیص اعتبار به پروژه‌های کلان بوده که پیگیری آنها نظارت بر تخصیص بودجه کامل (و در برخی موارد اتمام آن پروژه) بوده است. در این برنامه، احکام تعیین شده در حوزه ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی. جز در ۴ ماده در دیگر مواد قانونی، شاخصی برای ارزیابی اقدام‌های تکلیف شده تعیین نشده است.

و) ضمانت اجرایی: برنامه سوم توسعه، در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

قانون برنامه چهارم توسعه، سندی است که مسیر توسعه کشور را برای سالهای (۱۳۸۴-۱۳۸۸) ترسیم کرده است. همزمان با تصویب و ابلاغ سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی برنامه چهارم توسعه کشور تدوین گردید. به همین علت، برنامه چهارم توسعه اولین برنامه از اجرای سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و مشتمل بر ۱۶۱ ماده، ۳۴ تبصره و ۹ جدول است. در این برنامه، در ماده (۵۲) دولت در پی توجه ویژه به آموزش به تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی پرداخته است که مهم‌ترین جهت‌گیری‌های این برنامه عبارتند از: ۱. توسعه کمی آموزش و پرورش و سوادآموزی ۲. افزایش اختیارات و استقلال مالی مدیریتی و اجرایی واحدهای آموزشی ۳. ایجاد اصلاحات در برنامه‌های آموزشی و درسی ۴. ارتقای توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان و افزایش انگیزه شغلی آنان ۵. تدوین و اجرای نظام سنجش صلاحیت علمی و رتبه‌بندی معلمان ۶. بهره‌گیری از IT در تدوین و اجرای برنامه آموزشی و درسی و اداری و تجهیز مدارس به این گونه امکانات ۷. فراهم آوردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی و توجه به مناطق کمتر توسعه یافته. به منظور بررسی جامع‌تر و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش در زمینه افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در قانون برنامه چهارم توسعه، در ادامه، اجزا و عناصر سازنده احکام و مواد مرتبط با مسائل آموزشی در این برنامه (مواد ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۹۷ و ۱۰۹) متناسب با اصول قانون‌نویسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بررسی جزئیات مواد مرتبط با حوزه آموزشی در قانون برنامه چهارم

الف) اولویت‌بندی: همانطور که بیان شد مهم‌ترین حکم قانون برنامه چهارم "برقراری عدالت آموزشی" موضوع ماده (۵۲) است. در این ماده "توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای همه"، "اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی"، "توسعه استقلال مالی، مدیریتی و اجرائی واحدهای آموزشی (مدارس)"، "اصلاحات لازم را در زمینه برنامه‌های آموزشی و درسی"، "ارتقاء توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان" و ... به عنوان اولویت‌های حوزه آموزش در دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی تعیین

- شده و دولت مکلف است در چارچوب محورهای تعیین شده نسبت به افزایش آنها طی سالهای اجرای برنامه اقدام کند. همچنین در کنار مصادیق فوق‌الذکر در این برنامه به مانند برنامه قبل، حمایت از دختران نیز در اولویت معرفی شده است.
- (ب) راهبرد برنامه:** در نگاه برنامه‌ریزان این برنامه، عدالت آموزشی اصلی‌ترین و مهم‌ترین سیاست در برنامه‌های توسعه است. از این رو راهبرد اصلی در زمینه برقراری عدالت آموزشی "تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی" است.
- (ج) راهکارهای اجرایی:** در این برنامه، ایجاد فرصت‌های دسترسی برابر به آموزش و کاهش نابرابری‌های آموزشی، سطوح مختلف مواجهه با پدیده و نیز اولویت مداخله همراه اقدامها و فعالیتهای لازم در هر سطح در دو ماده (۵۴ و ۵۲) به میزان قابل قبولی تعیین و تصریح شده است.
- (د) دستگاه مجری:** مجری تکالیف تعیین شده در برنامه چهارم توسعه، دولت است که احاله تکالیف (به جز در ماده ۵۴ دستگاه‌های اجرایی) به دولت می‌تواند از نقاط ضعف برنامه چهارم توسعه باشد.
- (ه) قابلیت ارزیابی و شاخص:** به‌رغم اهمیت محوری شاخص در برنامه‌های توسعه، در این برنامه جز در ماده ۵۴ و ۵۲ شاخصی برای ارزیابی اقدام‌های تکلیف شده در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری‌ها تعیین نشده است.
- (و) ضمانت اجرایی:** برنامه چهارم توسعه، در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

قانون برنامه پنجم توسعه، سندی است که مسیر توسعه کشور را برای سالهای (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تعیین کرده است و مشتمل بر ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره است. این قانون در راستای بند (۸) سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و با هدف ارتقای کیفی در سه حوزه دانش، بینش و مهارت و تربیت اسلامی به‌طور مشخص تکالیفی را برای آموزش و پرورش معین کرده است. در این برنامه در ماده (۱۹) دولت در پی توجه ویژه به آموزش به تحول بنیادین در آموزش و پرورش پرداخته است. مؤلفه‌هایی که در این سند در بحث برابری آموزشی مورد توجه قرار گرفته به شرح زیر است: ۱. تحول در برنامه‌های آموزشی و پرورشی و درسی جهت کسب شایستگی‌های موردنیاز فردی ۲. اصلاح نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی ۳. استقرار نظام تأمین کیفیت جهت پایش، ارزشیابی، اصلاح و افزایش بهره‌وری ۴. سنجش و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی موجود و مورد نیاز آموزش و پرورش بر اساس شاخص‌های آموزشی و پرورشی ۵. به‌کارگیری IT در کلیه فرآیندها جهت تحقق عدالت آموزشی. به منظور بررسی جامع‌تر و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش در زمینه افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در قانون برنامه پنجم توسعه، در ادامه، اجزا و عناصر سازنده احکام و مواد مرتبط با مسائل آموزشی در این برنامه (مواد ۱۹، ۲۲ و ۲۱۷) متناسب با اصول قانون‌نویسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بررسی جزئیات مواد مرتبط با حوزه آموزشی در قانون برنامه پنجم توسعه

(الف) اولویت‌بندی: در این برنامه ماده (۱۹) بخش اصلی احکام مرتبط با آموزش و پرورش را در خود جای داده است و شامل ۶ بند با موضوع‌های کاملاً مجزاست (تحول بنیادین، ارتقای سهم غیرپرسنلی در بودجه آموزش و پرورش، تقویت گویش‌های محلی، فرصت‌های برابر آموزشی، توانبخشی گروه‌های مختلف آموزشی و تقویت برنامه‌های صدا و سیما در موضوع تحول آموزش

و پرورش و هویت ملی). این موضوعها هیچکدام نسبت به دیگری اولویت‌بندی نشدند و حتی در مورد اول که تدوین برنامه تحول آموزش و پرورش توسط دولت بوده، ۱۶ مورد را به‌عنوان اولویت معرفی کرده حال آنکه مفهوم اولویت داشتن اقتضا می‌کند که تعداد محدودی مدنظر قرار گیرد.

(ب) راهبرد برنامه: در این برنامه، راهبرد به صورت شفاف و روشن بیان شده است. برای نمونه، مهم‌ترین راهبردهای برنامه‌ریزان برای تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، (تحول در برنامه‌های آموزشی و پرورشی و درسی، اصلاح نظام ارزشیابی، استقرار نظام تضمین کیفیت، ارزشیابی، اصلاح و افزایش بهره‌وری، سنجش و ارتقاء صلاحیتهای حرفه‌ای نیروی انسانی، افزایش سرانه فضاهای ورزشی دانش‌آموزان، به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در کلیه فرآیندها جهت تحقق عدالت آموزشی، ایجاد تعامل آموزشی سازنده با دیگر کشورها و مراکز بین‌المللی و ...) می‌باشد.

(ج) راهکارهای اجرایی: در این برنامه راهکاری در زمینه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی تعیین نشده است.

(د) دستگاه مجری: مجری تکالیف تعیین شده در برنامه پنجم توسعه، علاوه بر دولت سایر نهادها و سازمانهای حاکمیتی می‌باشند و نقش هر یک از آنها درخصوص تکالیف بیان شده در برنامه مشخص شده است.

(ه) قابلیت ارزیابی و شاخص: برجسته‌ترین وجه تمایز برنامه پنجم توسعه در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری‌ها، تعیین شاخص‌های کمی و کیفی در این حوزه است.

(و) ضمانت اجرایی: قانون برنامه پنجم توسعه، در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

قانون برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

قانون برنامه ششم توسعه، سندی است که مسیر توسعه کشور را برای سالهای (۱۴۰۰-۱۳۹۶) ترسیم کرده و مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره است. در تبصره (۶۳) قانون برنامه ششم، دولت در پی توجه ویژه به آموزش به اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که نشان از توجه مسئولان و برنامه‌ریزان به مقوله برابری آموزشی می‌باشد. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این سند در بحث دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی در حوزه آموزش عمومی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته، به شرح زیر است: ۱. اجرای سند تحول بنیادین ۲. نظام رتبه‌بندی معلمان ۳. ارتقای جایگاه آموزش و پرورش ۴. هوشمندسازی مدارس و اختصاص ۳ میلیارد دلار برای بازسازی مدارس فرسوده. به منظور بررسی جامع‌تر و ارزیابی کیفیت احکام مرتبط با حوزه آموزش در زمینه افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و کاهش نابرابری آموزشی در قانون برنامه ششم توسعه، در ادامه، اجزا و عناصر سازنده احکام و مواد مرتبط با مسائل آموزشی در این برنامه (مواد ۲، ۲۵، ۳۳، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۸۶ و ۱۰۱) متناسب با اصول قانون‌نویسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بررسی جزئیات مواد مرتبط با حوزه آموزشی در قانون برنامه ششم

(الف) اولویت‌بندی: متن قانون برنامه ششم توسعه، به شدت پراکنده و غیرمنسجم است و از احکام داخل آن به هیچ وجه نمی‌توان اولویت‌بندی معینی را استنباط کرد. گرچه بخش مربوط به آموزش و پرورش در جلد دوم سند تفصیلی بخشی قانون برنامه ششم توسعه، نظم‌تئوریک بهتری دارد اما چهار اولویت را برای آموزش و پرورش هدف‌گذاری کرده است که دور از هم هستند و به سختی می‌توان هر چهار اولویت را همزمان از دستگاه اجرایی مطالبه کرد.

- ب) راهبرد برنامه:** راهبرد کلی این برنامه در زمینه ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، خصوصی‌سازی است. فارغ از این جهت‌گیری کلی، در خصوص اولویت‌های تعیین شده راهبرد و رویکرد برنامه تقریباً روشن و مشخص است. برای نمونه، می‌توان به راهبرد این برنامه در ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت اشاره کرد.
- ج) راهکارهای اجرایی:** اقدام‌های تعیین شده در زمینه فرصت‌های برابر آموزشی در برنامه ششم توسعه بسیار کلی و فاقد سازوکارهای اجرایی و عملیاتی مشخص و لازم برای تحقق اهداف و راهبردهای تعیین شده در زمینه کاهش نابرابری آموزشی است. اقدام‌های تعیین شده در این برنامه غالباً معطوف به تهیه طرح و سند و انجام پروژه‌های مطالعاتی هستند. همانطور که در ارزیابی اقدام‌های برنامه ششم بیان شد، حاله انجام تکالیف تصریح شده در برنامه‌های توسعه به تهیه طرح، سند و ... همان‌گونه که تجربه موجود نشان می‌دهد نتیجه‌ای جز تعلیق و عدم اجرای احکام تعیین شده در حوزه موردنظر نداشته است.
- د) دستگاه مجری:** در این برنامه در مقایسه با دو برنامه قبل، تکالیف دستگاه‌های متولی بیشتری اعم از اصلی و همکار در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی تصریح شده و قانونگذار به جای ارجاع کامل تکالیف به دولت، تلاش کرده تکالیف دستگاه و سازمان‌های تخصصی را متناسب با وظایف و مأموریت سازمانها در این زمینه معین کند.
- ه) قابلیت ارزیابی و شاخص:** در این برنامه، جز در دو ماده (۶۲ و ۲۵) نه در اهداف کلی، نه در خط‌مشی‌های اجرایی و نه در برنامه مشخص، تقریباً هیچ هدف‌گذاری کمی مشاهده نمی‌شود و غالب هدف‌گذاری‌ها قابلیت پیگیری و نظارت ندارند.
- و) ضمانت اجرایی:** این برنامه در حوزه دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

نتیجه‌گیری

حکمرانی و مدیریت مطلوب در فرایند توسعه در حوزه آموزش برای دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و کاهش نابرابری‌های آموزشی، لوازم گوناگونی نیاز دارد که از جمله مبنایی‌ترین آنها تدوین و تصویب قوانین و سیاست‌های درست است. برای این منظور متخصصان و کارشناسان علوم مختلف اصول و معیارهای متفاوت و متعددی پیشنهاد کرده‌اند. در این پژوهش نتایج حاصل از ارزیابی و مقایسه احکام مرتبط با افزایش دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و کاهش نابرابری‌های آموزشی در برنامه‌های اول تا ششم توسعه از منظر ۶ اصل (۱. اولویت‌گذاری؛ ۲. راهبرد مناسب؛ ۳. راهکارهای اجرایی؛ ۴. مجری مشخص؛ ۵. شاخص و قابلیت ارزیابی؛ ۶. ضمانت اجرایی مناسب) مورد بررسی قرار گرفته که در این خصوص، قانونگذاران و برنامه‌ریزان باید به این مهم توجه داشته باشند. لذا، در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

از منظر اولویت‌گذاری، در برنامه اول، دولت در پی توجه ویژه به آموزش به تغییر بنیادی آموزش و پرورش؛ در برنامه دوم، به مقولاتی که تابعی از سند بالادستی قانون اساسی‌اند (برای نمونه اصل سی‌ام در باب حق آموزش عمومی اجباری)؛ در برنامه سوم، به مسئله بهبود وضعیت نیروی انسانی و اصلاح ساختار آن در کنار تجهیز مدارس و تأمین منابع آن؛ در برنامه چهارم، به دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته (توسعه کمی و کیفی آموزش)؛ در برنامه پنجم، به تحول بنیادین در آموزش و در برنامه ششم به ارتقاء کیفی آموزش و پرورش پرداخته است.

از منظر راهبرد در برنامه‌های توسعه، راهبرد برنامه اول (گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان)؛ برنامه دوم (ایجاد تمهیدات لازم برای آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی)؛ برنامه سوم (به‌کارگیری نیروهای انسانی در مناطق نیازمند و به‌خصوص

مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه یافته کشور، تأمین نیروی انسانی کمی و کیفی و ایجاد فضاهای آموزشی و پرورشی و فراهم نمودن تجهیزات آموزشی و وسایل نقلیه، توجه به هزینه تغذیه شبانه‌روزی دانش‌آموزان در مدارس شبانه‌روزی و سرویس ایاب و ذهاب هر هفته یک بار آنها به روستاها و مدارس و سایر هزینه‌های لازم؛ برنامه چهارم (تضمین دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به‌ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی)؛ برنامه پنجم (تحول در برنامه‌های آموزشی و پرورشی و درسی، اصلاح نظام ارزشیابی، استقرار نظام تضمین کیفیت، ارزشیابی، اصلاح و افزایش بهره‌وری، سنجش و ارتقاء صلاحیتهای حرفه‌ای نیروی انسانی، افزایش سرانه فضاهای ورزشی دانش‌آموزان، به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در کلیه فرآیندها جهت تحقق عدالت آموزشی، ایجاد تعامل آموزشی سازنده با دیگر کشورها و مراکز بین‌المللی و) و برنامه ششم (ایجاد تحول و ارتقای کیفیت در نظام تعلیم و تربیت) است.

از لحاظ تعیین راهکارهای اجرایی، در برنامه اول تا ششم توسعه اقدام‌ها و راهکارهای تدوین شده به ۳ صورت تدوین شده بود: (۱) به صورت کلی بودند، (۲) فاقد سازوکارهای اجرایی و عملیاتی مشخص و لازم برای تحقق اهداف و راهبردهای تعیین شده بودند، (۳) اقدام‌های تعیین شده معطوف به تهیه طرح و سند و انجام پروژه‌های مطالعاتی بودند.

در خصوص مجری احکام برنامه توسعه، از منظر قانون‌نویسی در برنامه اول؛ مجری احکام، دولت است. در برنامه دوم، همانند برنامه اول جز دو مورد، مجری احکام دولت است. در برنامه سوم، علاوه بر دولت سایر دستگاه‌ها و سازمانهای تخصصی متناسب با وظایف و مأموریت سازمانها مجری احکام هستند. در برنامه چهارم و پنجم توسعه، جز در یک مورد، مجری احکام دولت است و در برنامه ششم، تکالیف دستگاه‌های متولی بیشتری اعم از اصلی و همکار در حوزه دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی تصریح شده است.

از لحاظ داشتن شاخص و قابلیت ارزیابی، برای تحقق واقعی، احکام برنامه ضروری است تا مقیاس اصلی افزایش دسترسی برابر به فرصتهای آموزشی و کاهش نابرابری‌های آموزشی مشخص و با دقت هر چه ممکن به زبان قابل سنجش بیان شود تا زمینه برای ارزیابی و کنترل احکام برنامه فراهم شود. در این باره، در قانون برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه، صرفاً تخصیص اعتبار به پروژه‌های کلان بودند که پیگیری و نظارت بر آنها نظارت بر تخصیص بودجه کامل (و در برخی موارد اتمام آن پروژه) بوده است. در برنامه چهارم، اولویت‌های اصلی معیار سنجش مشخصی نداشتند. در برنامه پنجم، شاخصهای کمی و کیفی قابل پیگیری و نظارت بودند و در برنامه ششم، نه در اهداف کلی، نه در خط‌مشی‌های اجرایی و نه در برنامه مشخص، تقریباً هیچ هدف‌گذاری کمی مشاهده نشد و غالب هدف‌گذاری‌ها قابلیت پیگیری و نظارت را ندارند.

از منظر ضمانت اجرا، آخرین ویژگی برشمرده شده برای یک قانون برنامه خوب و مطلوب، ضمانت اجرای قانون است. برنامه‌های اول تا ششم، در حوزه دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی و سازوکار پاسخگویی از منظر قانون است.

References

- 1- Abouzari, M, Davoudi, M (2021). The education policy and the rights of children in Iran. Public policy, 7 (3): 175-191. (In Persian)
- 2- Blanden, J., Doepke, M., Stuhler, J. (2022). Educational Inequality. NBER Working Paper No. 29979, 1-126.
- 3- Cheng, H. (2009). Inequality in Basic Education in China: A Comprehensive Review, International Journal of Educational Policies, 3 (2): 81-106.
- 4- Chen, Y., Yuan, M., Zhang, M. (2023). Income inequality and educational expenditures on children: Evidence from the China Family Panel Studies. China Economic Review, 78: 1.2-20.
- 5- Giorgio, Di & Pietra (2020). Changes in socioeconomic inequality in access to study abroad programs: A cross-country analysis. Research in Social Stratification and Mobility, 66 (7): 1-16.
- 6- Deputy for social studies (2021). Evaluation and comparison of the provisions related to social injuries in the laws of the fourth, fifth and sixth development plans {in persian}
- 7- Ghafari esmaili, S.A., Hassani, M., ghalavandi, H. (2022). An Analysis of the Development Level of Educational Indicators as a Factor for Assessing Inequalities and Achieving Sustainable Educational Justice: A Case Study, Education Areas of Mazandaran Province. Journal of Educational Planning Studies, 11 (21): 23-41. (In Persian).

- 8- Hansen, M. N., Mastekaasa, A. (2006). Social origins and academic performance at University. *European Sociological Review*, 22 (3): 277-291.
- 9- Irvani, Shaheen et al. (2020). Historical study of the diversity of schools in Iran: policy considerations, report of the Islamic Council Research Center, report number 17052. (In Persian)
- 10- Karimian, J. (2020). A collection of reports on poverty, inequality and the conflict of interests of poverty and inequality in education. Bureau of Social Welfare Studies, 1-82. (In Persian).
- 11- Khosravi Poor, Z, Mehr Alizadeh, Y. (2022). Analysis of educational inequalities in the light of the developments of the Fourth Industrial Revolution. *Journal of Educational Planning Studies*, 10 (20): 47-71. (In Persian)
- 12- Parhamnia, Farshad (2021). Behavioral factors affecting knowledge sharing: a systematic review of a decade of research in two Persian databases. *Organizational Knowledge Management*, 4(13): 129-185. (In Persian)
- 13- Piri zamaneh, M., Abasspuor, A., Rahimian, H. (2023). Identifying and prioritizing components and indicators of educational inequality in elementary schools. *Journal of Educational Leadership and Management Research*, 7 (25): 47-76. (In Persian)
- 14- Rafati, R., Shahrakipour, H., Nazim, F. (2019). Identifying the factors and components of educational inequalities in the education and upbringing areas of Mashhad in order to provide a suitable model. *Journal of Educational Planning Studies*, 8 (15): 56-80. (In Persian)
- 15- Reinders, S., Dekker, M., Falisse, J-B. (2021). Inequalities in higher education in low-and middle-income countries: A scoping review of the literature. *Dev Policy Rev*, 39: 865-889.
- 16- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*, Cambridge Harvard University press, 1-98.
- 17- Samadi, A.H., Hadian, E., Rostamzadeh, P., Sheikhiyani, H. (2019). The Effects of Trade Liberalization on Income Inequality under Resistance Economy: A Computable General Equilibrium Approach (Case Study of Iran). *Economic research*, 19 (74): 39-80. (In Persian).
- 18- Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer Publishing Company, New York.
- 19- Sadovnik, A. R. (Ed.). (2007). *Theory and research in the sociology of education*. In *Sociology of education: A critical reader* (pp. 3-21). New York, NY: Routledge.
- 20- Samari, M. (2014). Modeling the reduction of educational inequalities in the educational regions of West Azarbaijan province in order to achieve sustainable educational development. PhD thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Urmia University. (In Persian)
- 21- Schultz, Theodore W. (1961). Investment in Human Capital. *American Economic Review*, 51: 1-18.